

تحلیلی بر عملکرد عالمان شیعی در صیانت از دین در عصر ناصرالدین شاه قاجار

محمدرضا باقری زاده گان

دانش آموخته دکتری تاریخ تشیع، واحد قم، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Bagherizadegan1339@yahoo.com

دکتر ناصر باقری بیدهندی

استادیار گروه تاریخ، واحد قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

bageribidehendi@gmail.com

دکتر علی آقا نوری

استادیار گروه تاریخ، واحد قم، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران

nori@religionsin.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۱۴۸-۱۷۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۸

چکیده

واژه تشیع، یگانه ای در میان واژگان است که در طول تاریخ، عجین با مبلغان و عالمان و مراجعی است که با پویایی و بصیرت در هر عصری موجب جوشش و شیوع این مذهب گردیده اند. علمای شیعه، پرچمداران عرصه دین و فرهنگ بوده و در حفاظت از حریم آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند. کارکردهای اجتماعی علما در برابر خودخواهیهای حاکمان مستبد به ویژه سلاطین قاجار و همین طور مقابله با دو دولت استعماری روسیه و بریتانیا بسیار مثمر ثمر بوده است. آنان توانستند در دوران حکومت پنجاه ساله (۱۳۱۳- ۱۲۶۴ق) ناصرالدین شاه که اوج امتیازدهی به دول استعماری و غارتگر روس و انگلیس بود، ساحت دینی، سیاسی و معیشت و اقتصاد ایران را به اندازه توان خود حفظ نمایند. در نهایت یافته و نتیجه این پژوهش، مخاطب را با جایگاه عالمانی نظیر آیت الله کنی، میرزای شیرازی، میرزا محمدحسن آشتیانی، حاج میرزا جوادآقا تبریزی، آقا سیدعلی اکبر فال اسپیری و... که توانستند با اقدامی آگاهانه ی برگرفته از قرآن، سنت، عقل و اجماع از دین صیانت کنند، آشنا می کند.

واژگان کلیدی: عالمان شیعی، صیانت از دین، ناصرالدین شاه قاجار.

مقدمه

مراد از این پژوهش، موضوعی که به بیان مساله ای با زوایای گوناگون پرسشگری و پاسخگویی به تعداد نفوس اهل تحقیق منجر می گردد.

عالمان دینی به مثابه سدی مستحکم در برابر خواسته های نا به حق و ضد دینی و ضد ملی سلاطین به شمار آمده و به عنوان پیشقراولان عرصه دفاع از دین و ملت به حساب می آیند. اینان به ویژه در دوره پادشاهی قاجاریه که متاسفانه ظلم و ستم های فراوانی به مردم تحمیل شده و چوب حراج بر سر خاک کشور زده می شد، به دفاع از منافع ملی برخاسته و مجاهدت های فراوانی را مبذول داشته اند. این تلاش ها به ویژه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه که نزدیک به نیم قرن سلطنت، بیشترین دوره سلطه را در کل سلسله قاجاریه و بعد از آن داشته است، مضاعف گردیده بود. در عصر ناصری امتیازهای فراوانی به دول استعماری داده شد و در عرصه های دینی، سیاسی و اقتصادی، نابسامانی های فراوانی به چشم می خورد. علمای این دوره با درک درست از مقتضیات روزگار، به میدان آمده و در جهت صیانت و پاسداری از دین مجاهدانه پا در میدان گذاشتند.

این تحقیق با تاکید بر منابع کتابخانه ای و رویکرد توصیفی- تحلیلی، در صدد پاسخگویی نقش آفرینی علما و مرجعیت شیعی در حراست از دین که سیاست و اقتصاد را در بر می گیرد، در مقطعی از تاریخ سالهای ۱۲۶۴-۱۳۱۳ قمری می باشد.

در واقع این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش اساسی؛ به چگونگی عملکرد علما در صیانت از دین و همراهی مردم و هم گرایی علما در امر فتوی از سوی مرجعیت شیعی که منتج به دفاع از اسلام گردید؛ می باشد.

بحث

پژوهش حاضر به دنبال ریشه های شکل گیری و عوامل وقوع تغییر و تحول عظیم اجتماعی چون قیام و انقلابها و نقش تاثیر گذار عالمان شیعی به ویژه عصر ناصری می

باشد. در پی واکاوی تحقیقات محققان و مورخان تاریخی معلوم شد اغلب در معرفی آماری و شناسنامه ای عالمان پرداخته اند.

البته در این مورد آثار گوناگونی به نگارش درآمده، از جمله آن می توان به آثاری نظیر؛ علمای عهد ناصرالدین شاه قاجار «باب دهم المآثر والآثار» تالیف: محمد حسن خان اعتماد السلطنه، و یا «گلشن ابرار» به کوشش جمعی از نویسندگان و همت سازمان تبلیغات اسلامی در سیزده جلد و همین طور کتاب «ریحانه الادب»، نوشته محمد علی مدرس تبریزی، اشاره کرد.

اما تحقیق پیش رو با رویکرد تحلیلی، بنیادی و کاربردی در نقش و کارکرد روحانیت شیعی در امر هدایت جامعه در برابر حاکمان جائر و متجاوزان استعمارگر خارجی در دوره پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار می پردازد. که در این مورد تقریباً پژوهش مستقلی به زیور چاپ آراسته نشده است.

بورسی مفاهیم

شیعه، تشیع: واژگان «شیعه» و «تشیع» برگرفته از ریشه «شیع» در زبان عربی اند. شیعه در لغت به معنای هوادار، مرید، دسته، حزب، پیرو و طرفدار می باشد و فرقه یا گروهی است که بر امری، یک سخن شوند. (ابن منظور، ۱۴۰۸ ه.ق: ذیل ماده «شیع»). همچنین هر گاه گروهی از یک قوم، بر سخن گروه دیگری از آن قوم هم داستان شوند و از دیدگان آنان پیروی نمایند، بدانها نیز شیعه گویند. (خضری، ۱۳۹۱: ۲۳). در همین راستا قرآن کریم، شقوق مختلف این واژه را به کار برده و مفاهیم مختلفی از آن به دست آمده است. این کتاب آسمانی در چند آیه دیگری «شیعا» را در مفهومی کاملاً مخالف به کار گرفته و اختلافات فرقه ای و اعتقادی یهودیان و مسیحیان را با این واژه توصیف کرده است؛ چنان

که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». (انعام: ۱۵۹)

البته بسیاری از لغت شناسان، واژه «شیعه» را به معنای گروه، یاران و جمع پیروان دانسته اند. (فیروز آبادی، ۱۴۱۲ ه.ق: ذیل ماده «شیع»؛ ابن کثیر، بی تا، ۲/۲۴۶) و جمع آن را «اشیاع» و «شیع» آورده اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸ ه.ق: ذیل ماده «شیع»). این در حالی است که از دهه های نخست سده اول هجری، شیعه به صورت مضاف به کار رفته و همواره با مفهوم پیروی و تبعیت از مضاف الیه خود، ارایه شده است؛ نظیر، شیعه علی علیه السلام، شیعه عثمان و شیعه معاویه. این از آن روست که یکی از معانی شیعه در زبان عربی «حزب» است. و بر همین اساس است که شیعه علی علیه السلام در مقابل شیعه معاویه یا شیعه عثمان قرار می گیرد. (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۱۳۹).

با این همه در دوره های بعد تا به امروز واژه مزبور غالباً به تنهایی به کار رفته؛ که منظور از آن، پیروان امام علی علیه السلام و جانشینان او نیز که دوستی اهل بیت علیهم السلام را در دل می پرورند و به امامت آنان معتقدند. در همین حال تشیع نیز در لغت به معنای، ادعای پیروی (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل ماده «شیع») و شیعه گری است. (معین، ۱۳۷۱: ذیل ماده «شیع») و در اصطلاح شیعه، به پیروان امام علی علیه السلام و یازده جانشین او گفته می شود.

اینان کسانی اند که علی علیه السلام را خلیفه و جانشین بی واسطه، شرعی و منصوص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می دانند. (نوبختی، ۱۳۸۱: ۱۸)

مرجعیت دینی: مفهوم اصطلاحی مرجعیت عبارت است از: اجتهاد، از ریشه «جهد» به معنای کوشش است. (عبدالنبی، ۱۳۸۱: ۳۷۷).

شهید مطهری می گوید: «اجتهاد به طور سربسته به معنای صاحب نظر شدن در امر دین است. ولی صاحب نظر بودن و اعمال نظر کردن در امور دینی از نظر ما که شیعه

هستیم، به دو گونه است: مشروع و ممنوع... که ممنوع آن است که مجتهد حکمی را که در کتاب و سنت نیست، با فکر خودش و رای خود وضع کند، این را در اصطلاح «اجتهاد به رای» می گویند. این اجتهاد از نظر شیعه ممنوع است.

معنای صحیح اجتهاد، یعنی به کاربردن تدبّر و تعقل در فهم ادله شرعی، که البته احتیاج دارد به یک رشته علوم که مقدمه شایستگی و استعداد تعقل و تدبیر صحیح و عالمانه می باشد». (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۶۶/۲).

از آنجا که اجتهاد، هدف علم اصول فقه و ثمره آن است، در میان شیعه و اهل سنت، دارای پایگاه ویژه ای می باشد. همه مشکلات ناشی از بی قانونی، در پرتو شایستگی و کاردانی اجتهاد پویا، حل و فصل می گردد. در این روزگار براساس اندیشه شیعه، به خاطر دوری از رهبران معصوم، راهی به سوی علم به احکام شریعت، جز اجتهاد وجود ندارد. (دوانی، بی تا: ۲۷/۲). هیچ مرجع دیگری را جز مجتهد که عنوان مرجعیت دین مردم در جامعه مطرح می باشد، نمی توان سراغ داشت که برای حوادث روز افزونی که در جوامع بشری، پدید می آید؛ حکم و قانون جامعی ارایه کند. بنابراین، اجتهاد و مرجعیت دینی، از اعتقادات مهم شیعیان در عصر غیبت به حساب می آید و سرچشمه تحولات سیاسی و اجتماعی بسیاری در جامعه می گردد. اجتهاد صحیح، یعنی انطباق اصول و قواعد کلی بر فروع از دیدگاه امام معصوم علیهم السلام امری ضروری و مورد اهتمام بوده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا عَلَيْنَا الْقَاءَ الْأُصُولَ، وَ عَلَيكُمْ أَنْ تُفَرِّعُوا» ما بیان اصول می نمائیم و تفریع اصول و تطبیق آن بر موارد، بر عهده شماست. (حرعاملی، بی تا: باب ۶ حدیث ۵۱-۵۲)

در طول تاریخ نیز، اقتدار نهاد مرجعیت، آشکار و نمایان است. تا آنجا که فتوای مراجع نجف، در دفاع از نهضت مشروطه و سرزنش محمدعلی شاه قاجار، سراجام باعث برکناری شاه شد. (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۷۲۱) بارزتر از این نمونه، برای بیان جایگاه مرجعیت دینی،

تاثیر فتوای مرجع بزرگ، آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو می باشد. که اعتراض عمومی بی نظیری را علیه حکومت ناصرالدین شاه قاجار به وجود آورد که دامنه آن دربار شاه را فراگرفت. (کدی، ۱۳۶۹: ۱۱۴)

دین: واژه دین در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی چون: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب و همبستگی آمده است. و در آموزه های قرآنی طاعت، بندگی، توحید و خداپرستی اشاره شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۷۴-۵۷۲)

البته در این پژوهش به دنبال احیاء و تبیین عملکرد عالمان دینی در فضای زندگی انسان در صیانت از دین، سیاست و اقتصاد و معیشت مردمان می باشیم. در مورد اصطلاح دین باید گفت که ایمان نقش مهمی در جامعه دینی ایفاء می کند. برای رسیدن به حیات دینی، برخی امور در جامعه ضروری است. از جمله ایمان، که تعامل ایمان، علم، عقل و عمل، ضامن اجرای شریعت با نقش اثرگذار عالمان می باشد. شهید مطهری معتقد است: «آن چیزی که پشتوانه ای اخلاق و عدالت است و اگر در انسان وجود پیدا کند، انسان به سهولت راه اخلاق و عدالت را پیش می گیرد و سود را کنار می زند، تنها «ایمان» است. چه ایمانی؟ یعنی ایمان به خود عدالت و ایمان به خود اخلاق» (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۳/۵۱۶)

پس ایمان نقش مهمی در زندگی انسانهای مومن دارد، زیرا ایمان از تسلیم شدن التزام عملی به اوامر و نواهی دین گرفته، تا تسلیم قلبی، همه اینها در رفتار انسان اثر می گذارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...» (حجرات: ۱۴)

بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، ولی بهتر است بگوئید اسلام آورده ایم، و ایمان هنوز به دل های شما راه نیافته است...».

بشر وقتی از راه انبیاء سرپیچی می کند به خطر می افتد. نه فقط در شکل دادن به شخصیت خودش اشتباه می کند بلکه دنیا را هم خراب می کند؛ محیط زیست را هم

خراب می کند. زیرا علمای دین مشعل های هستند که مردم را با رفتار و با روش زندگی و برخوردشان بامسائل، به دین دعوت می کنند. (مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۵)

سیاست: دهخدا معتقد است، واژه سیاست، سیاسی به معنی پاس داشتن ملک است. به معنای عموم، سیاسی به فرد سیاستمدار، اهل سیاست، وارد در امر سیاست می دانند. گاهی معنی سیاست را تدبیر، خط مشی، تنبیه، جزاء، سزا، شکنجه، عقوبت، مجازات و برابر فارسی آن را کشورداری، جهان آراییی و جهان داری و روش هم تعبیر کرده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل سیاست، سیاسی) قرآن کریم می فرماید: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». (اعراف: ۱۵۷) «تکالیف سنگین و قید و زنجیرهایی که بر آنها بود را بر می دارد. به عبارتی آزادی انسانها از زنجیرهای اسارت را بعنوان یکی از اهداف پیامبران معرفی می کند. که این اهداف همان نقش و عملکرد موثر علما و مرجعیت دینی شیعی می باشد. و در دیگر جای خداوند متعال می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم...» (انفال: ۲۴) ای مومنان! ندای خدا و پیامبر را آنگاه که شما را به پیامی حیات بخش می خواند: اجابت کنید...». حضرت امام خمینی (ره) در بحث لزوم انقلاب سیاسی می فرماید: پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، معاندین و بنی امیه لعنهم الله، نگذاشتند حکومت اسلام با ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام مستقر شود. نگذاشتند حکومتی که مرضی خدای تبارک و تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود؛ در خارج وجود پیدا کند.

در نتیجه، اساس حکومت را دگرگون کردند، برنامه حکومتشان و سیاست شان ، بیشترش با برنامه اسلام مغایرت داشت. رژیم حکومت و طرز اداره و سیاست «بنی امیه» و «بنی عباس» ضد اسلامی بودند. (امام خمینی ره ، ۱۳۹۴: ۳۴)

اقتصاد، معیشت: تبیین واژه اقتصاد و اصطلاح لغوی اقتصادی، اقتصاد مترادف صرفه جویی، قناعت و میانه روی در هرکاری؛ به عبارتی علم اقتصاد، یعنی علم به مجموع وسایلی است که برای رفع نیازمندی های مادی بشری از آن استفاده می شود و معیشت از نظر دهخدا به معنی زیست و زندگانی است، اسباب معیشت توأم با اقتصاد می باشد. نقش مسائل اقتصادی در شکل اخلاقی جامعه مهم و در عصر حکومت ناصرالدین شاه ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ه. ق، هم متأثر از بیماری اقتصاد کلان ایران آن زمان بود که به دنبال آن، فقر معیشتی را رقم زد و آحاد مردم به بیوت علما و مراجع پناه بردند، این امر سبب ورود عالمان به عرصه اقتصاد و تذکر به حاکم و درباریان وقت بود که لغو برخی امتیازات داده شده به اجانب را موجب گردید.

اهمیت مساله اقتصادی تنها از این نظر نیست که تامین آزادی و استقلال حیات مادی امت ها، بدون آن امان ندارد؛ بلکه از این نظر نیز هست که پیوند نزدیکی با مسائل زیر بنایی جامعه، حتی با مسائل «اخلاقی» مرتبط است. آنها که نقش حساس مسائل اقتصادی را در سرنوشت ملت ها، در حیات و مرگ شان، و در پیروزی و شکست شان، نادیده می گیرند، نیز سخت در اشتباه هستند، زیرا جریان یک اقتصاد سالم، در پیکر اجتماع، همچون خونی در بدن، موجب بیماری های چون نابینایی، ناشنوایی و ضعف در اعضاء جسم انسان را در پی خواهد داشت.

مترجم کتاب - اقتصاد پل ساموئل - آقای حسین پیرنیا در مقدمه کتاب می گوید: «زندگی مادی و معنوی هر فرد از روز تولد تا واپسین دقایق زندگی، تحت سلطه اصول و قوانین روش های اقتصادی و اجتماعی قرار دارد؛ موقعیت بین المللی، استقلال و رفاه ملت ها همه و همه منوط به نتایج اقتصادی و اجتماعی آنها می باشد». (ساموئلسون، ۱۳۳۴: مقدمه)

وقتی مساوات در جامعه برقرار باشد فقر جایگاهی ندارد. مساوات تمام افراد ملت با شخص والی در جمیع حقوق و احکام و شدت اهتمام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم را در استحکام دین، این اساس سعادت امت از سیره مقدسه حضرتش توان فهمید. (نائینی، ۱۳۸۲: ۶۰)

قاجاریه (۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ه.ق): بعد از قریب هفتاد و پنج سال که از سقوط صفویه می گذشت. ایران شاهد چندین حکومت زودگذر بود؛ نوبت به قاجارها رسید که توانستند از خستگی مفرط مردم، استفاده کنند؛ زیرا مردم بی کفایتی آخرین شاه صفویه، شاه سلطان حسین برابر افغانها را دیده، سپس افشاریه و زندیه را تجربه کرده بودند (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۴۳) قاجاریه با تکیه بر زور و قدرت ایلاتی ایران، حکومت پردوامی تشکیل دادند. تاسیس این سلسله با حوادث مهمی در جهان هم زمان بود. یکی انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹م و ظهور ناپلئون ۱۷۹۹م و دیگری گسترش استعمار اروپایی که از دو سوی شمال و جنوب، به مرزهای ایران نزدیک می شدند و در سراسر دوران نزدیک به یکصد و چهل ساله آنان استمرار داشت. (همان، ۱۳۹۴: ۳۴۳)

قاجارها قبیله ای از ترکمان های منطقه استرآباد (گرگان) بودند. ایشان تبار خود را به کسی به نام «قاجار نویان» می رساندند که از سرداران چنگیز بود. نام این قبیله ریشه در عبارت «آقاجر» به معنای جنگوی جنگل دارد. بنیان گزار آن نیز محمد خان قاجار بود. که در ابتدا قصد تشکیل حکومت را داشت، بسیار تمایل داشت به مانند دولت صفویه، دولتی قدرتمند شکل دهد. ولی او نه ادعای ظل الهی داشت و نه دارای نیروهای قزلباش وفادار بود تا ضامن حیات سلسه او باشند. به همین خاطر برای تحکیم پایه های سلطنت خود و جانشینانش از هیچ تلاشی، فروگذار نکرد و حتی نزدیکترین عزیزان خود را نیز قربانی سلطنت خود کرد. (دیولا فوا، ۱۳۶۹: ۱۲۴) بعد از او، فتحعلی شاه و سپس محمد شاه بر

کرسی سلطنت نشست و پس از مرگ محمد شاه، پسر او ناصرالدین میرزا با نام ناصرالدین شاه به سلطنت رسید. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۳۴۷)

دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ه.ق.)

دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در حدود نیم قرن می باشد. ویژگی مهم این عصر، وجود اندیشه اقتدار گرایانه در دولت است که این تفکر همان گونه که اشاره شد از شخصیت استبدادی شخص پادشاه نشأت می گرفت زیرا ساختار دولت دوره ناصری، استبداد مطلق بود که تا پایین ترین سطح دولت استوار می یافت. (فوران، ۱۳۷۸: ۲۱۴)

برخی نیز افزون بر استبداد مطلق، الیگارشوی و حکومت ایلیاتی یا خانوادگی را برآن نهاده اند. (شمیم ۱۳۷۵: ۳۲۷-۳۲۳) همچنین از نگاهی دیگر، شکل حکومت در زمان ناصرالدین شاه، عنوان پدرسالار (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۴۶) بیان شده. (ادوارد پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۴) که تعبیری است از ماکس وبر برای حکومت هایی که غرض اصلی از تاسیس آنها، برآوردن نیازهای خانواده فرمانرواست و صاحب منصبان دولتی، همگی در حقیقت چاکران اویند. (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۱۲۲)

ابعاد شخصیتی ناصرالدین شاه قاجار

اساس بنیانگذار سلسله قاجاریه برپایه «تحقیر» و «بی اعتمادی» بود. علاقه محمد شاه به پسر دومش و بی اعتنایی و اهانت اطرافیان به شاهزاده ناصر، در پی رابطه سرد شاه با او و احساس حقارت نسبت به شخصیت های برتری که معلم او بودند. فضایی از ناامنی روانی را بر او حاکم کرده و شخصیتی اقتدار گرا و نه دموکراتیک را، در او پرورش داده بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۱۹۷) به هر حال شاه جوان، شانزده یا هفده ساله، پیش از حرکت از تبریز به تهران، میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر، امیر نظام یا اتابک اعظم) را به صدر اعظمی انتخاب کرد و تمام اختیارات را به دلیل اعتمادی که داشت، به او سپرد. این

امر، حاکی از ضعف اعتماد به نفس در امر حکومت داری، جوانی و بی تجربگی سیاسی او بود. (همان، ۱۳۵۷: ۱۹۷)

اما پس از سه سال و اندی صدارت امیر کبیر، او را پس از عزل، در حمام فین کاشان به قتل رسانید (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۳۰) به همین دلیل، شاه هیچ قدرتمندی را بر نمی تافت. به تمام قدرتمندان- چه خویش و چه بیگانه- ظنین بود و هرگز نمی خواست کسی قدرتمند باشد. نمونه آن، عزل ظل السلطان، فرزند چهارمش از همه مقامات حکومتی بالاتر بود. در صدد بود او را به قتل رساند. ناصرالدین شاه قاجار یک ستمگر تمام عیار شرقی توصیف شده که زجر و شکنجه دادن بشر، کوچکترین تاثیری بر او نداشت. (هاردینگ، ۱۳۶۳: ۱۲-۱۳)

بعضی نیز او را در درک مناسبات ایران با غرب، جلوتر از هم میهمانش ذکر نموده و گفته اند که با کم برخی از مشاورانش، یکی از بهترین شاهان این سلسله به شمار می رفته که با اتباع خود بسیار با استبداد و اقتدار رفتار می کرده است. (آپتون، ۱۳۵۹: ۱۶) چنان که یکی از مورخان می نویسد: «ناصرالدین شاه مردی مستبد به رأی و خودخواه، متظاهر به دین، شیفته اصلاحات و اقدامات تازه برای تحکیم اساس سلطنت، خود را خلیفه اسلامی در عالم تشیع می دانست. (شمیم، ۱۳۷۵: ۲۰۲-۱۹۹)

جالش عالمان دینی و اقتدارگرایی ناصرالدین شاه

شاه تلاش می کرد با همه قشرها، با اقتدار دولت، به کاهش نفوذ و اقتدار آنها در ارکان حکومت بیانجامد. روندی که پس از شکست در جنگ های سیزده ساله در دولت های پیشین نیز دنبال می شد، حال یا ویژگیهای شخصیتی ناصرالدین شاه تشدید شده بود. (لمتون، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۲۰) برخوردهای مقتدرانه شاه موجب شد تا علما نیز، به برخورد متقابل روی بیاورند. طبیعی بود که روحانیان به دلیل کار ویژه حفظ دین و تکلیف ضد

استعماری خود نمی توانستند نسبت به امور کشور بی توجه باشند و مردم را در ستم و ظلم مشاهده کنند و سکوت اختیار کنند.

آنان در برابر اقدامات نابجای ناصرالدین شاه به ویژه واگذاری ها و امتیاز دادن های باج گونه دول روسی و انگلیس، که در جهت از بین رفتن منافع ملی بود، مقاومت می کردند. به عنوان نمونه، باید به قرارداد «رویترا» اشاره کرد؛ که علما آن را خطری برای اسلام و منافع عمومی و مردم و زمینه ساز سلطه انگلیس بر کشور می دانستند. این قرارداد در سال ۱۲۸۹ ه. ش. شش ماه پیش از نخستین سفر شاه به اروپا، با «بارون جولوس دو رویترا» سرمایه دار یهودی اسکاتلندی و موسس خبرگزاری «رویترا» بسته شده بود و او اجازه و اختیار تام داشت تا در خاک ایران، امتیازاتی از قبیل هفتاد سال راه آهن و تراموا و انحصار قطعی معادن ذغال سنگ، مس، سرب، نفت و... را مورد بهره برداری انحصاری قرار دهد. (مدنی، ۱۳۶۱: ۹۹-۱۰۰؛ الگار، ۱۳۵۹: ۱۳۱۸) چالش بین قدرت سیاسی به رهبری ناصرالدین شاه قاجار و قدرت مذهبی که هدایت سیاسی و اجتماعی را در دست داشت به رهبری آیت الله ملا علی کنی، مرجع بانفوذ پایتخت، مناسبات دین و دولت را در این دوره در معرض حساسیت ویژه ای قرار داده بود. (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

در سیر تطور قدرت در جامعه، به اعتقاد ناظران خارجی در واقع، این حاج ملا علی کنی بود که راس قرار داشت و در صورت اعمال قدرت می توانست، شاه را از سلطنت به زیر آورد. «بنجامین» اولین سفیر آمریکا در تهران می گوید: سربازان گارد محافظ سفارت در تهران به من می گفتند: «با آنکه از طرف شاه مامور حفاظت جان او و اعضای سفارت شده اند اما اگر حاج ملا علی کنی به آنها دستور دهد، بدون درنگ من و دیگر اعضاء سفارت را خواهند کشت». (بنجامین، بی تا: ۳۳۲)

در دوران قاجاریه، به ویژه دوره ناصرالدین شاه به اهمیت علما به عنوان رهبران مذهبی ملت افزوده شد. چون مردم معتقد بودند عالمان دین هستند که از شریعت صیانت می کنند

به ویژه در ماه های محرم و صفر که اوج شیوع فرهنگ عاشورا بود، روحانیون و اقشار گوناگون مردم به هم نزدیک تر می شدند. از طرفی ناصرالدین شاه به شدت تظاهر به دینداری می کرد؛ و در صدد بود تا از این راه حمایت علما را کسب کند و ولی تلاش های او بی نتیجه بود. علما رفته رفته خواسته های قشرهای مختلف جامعه شدند. منازل و محضر آنها، پایگاه تحصن مظلومین و ستم دیدگان گردید. (تنکابنی، ۱۳۰۴: ۷۴)

از این زمان به بعد عوامل مختلف مذهبی، اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاسی باعث گسترش خصومت بین علما و دولت شد. در واقع حکومت قاجار با سیستم استبدادی که راه انداته بود، همراه دخالت خارجی ها و نفوذ آنان در دستگاه دولت، دو جنبه خطر مهمی بودند که علما و مراجع در ستیز با آن قرار داشتند. (همان ۱۳۰۴: ۷۴)

خطر خارجی ها و بیگانگان و به خطر افتادن استقلال کشور اسلام، در واقعه ی «رژی» در دوره ناصرالدین شاه که عصر امتیازات به فرنگیان است به اوج خود رسید، این واقعه با هم دستی عوامل داخلی، که روحانیت و عالمان دین به طور کلی روی موافقت با آنان را نداشتند، راه افتاد و محور این خطر خارجی و فرو کوبیدن استبداد داخلی و ظلم و ستم ناشی از آن و پاره ای مسائل اقتصادی معیشتی و اجتماعی دیگر، علما را وادار به ورود به میدان مبارزه رو در رو با دولت کرد اقدام و قیام علما در این عصر به ویژه در «واقعه ی رژی» که منجر به فتوای تحریم «توتون و تنباکو» توسط آیت الله سید محمد حسن شیرازی، به منزله مدافعان ملت از تاجر گرفته تا رعیت کاملاً آشکار گردید. (خوانساری، ۱۳۰۴: ۱۷۸)

در این مورد گفتنی است که مخالفت علما با اقدامات حکومت ناصری، به معنای مخالفت با پیشرفت نبود. چنانکه فریدون آدمیت در اثر خود «اندیشه ترقی و حکومت قانون» می نویسد: «علما در پذیرش پیشرفت های فنی و امکانات رفاهی مُقتبس از غرب،

مخالفت چندانی ندارند، برای نمونه، بهبود شبکه ی ارتباطی، تلگراف و راه آهن مورد تایید علما قرار گرفت....» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۲۹)

در این تحقیق در سطور بعد به بررسی و تحلیل عملکرد و نقش پررنگ علماء و مراجع دینی و کارکرد ویژه آنان در ساحت های دینی، سیاسی و اقتصاد و معیشت می پردازیم.

عملکرد عالمان شیعی، و صیانت از دین در دوره ناصرالدین شاه قاجار

به تحلیل و قلم بسیاری از مورخان: جوامع ایرانی قبل و بعد از اسلام، همواره بر ستون های خرد متکی بوده اند و صرف نظر از تعدد و تنوع حکامی که به قصد تاراج و کسب غنیمت به این کشور پای می نهادند، آن عده که قصد اقامت در کشور را داشتند و میل به توطن دائم در خویش می دیدند، ناگزیر بودند که به ضوابط جا افتاده و منبع ایمانی، دینی و فرهنگی آحاد ناس، اعتنا کنند و با رعایت هرچه بیشتر آنها به نزدیکی با مدار اخلاقیات عمومی و فضای حیات عاطفی و عقیدتی و دینی جامعه، پردازند. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۴۹۴)

اهم امر، در این بود که ارزش های والای دینی، فرهنگی محفوظ بماند و آداب و رسوم مردمی به چشم تکریم نگریسته شود، این نیز حقیقتی آشکار بود که در فرهنگی ایرانی، روحانیت برخاسته از میان ملت، حامی منافع ملی مردم شناخته می شد، خاصه از روزگاران صفویه به بعد تا عصر ناصرالدین شاه (و دوران پس از آن)، پیوندی عمیق و تنگاتنگ بازاریان و عناصر متوسط الحال میان روحانیت و جامعه وجود داشت. (همان، ۱۳۹۴: ۴۹۴)

به طور کلی در دوره ناصری از دو جهت روحانیت و علمای شیعی به گونه ای بنیادین تقویت شد؛ یکی آن هنگام که بر نفوذ پایگاه علماء و منزلت اجتماعی آنان به طور وسیعی افزوده شد. دوم، با توسعه دستگاه مرجعیت یعنی اگر با پیروزی مکتب اصولی، این اعتقاد مطرح شد؛ بدین بیان که یک « مرجع تقلید عام » برای همه معتقدان وجود داشته باشد. این رخ داد که قدرت عظیمی به مرجع کل داد و در کنار تجسم قدرت سیاسی در شاه، قدرت

روحانی را نیز در یک شخص بنام «شیخ مرتضی انصاری» نهادینه شد. مظفری، ۱۳۸۷: ۱۴۱) ایشان مرجعیت اعلی را نهادینه نمود و پشتوانه بسیار بزرگی برای علما و توده های شیعه برجای نهاد. و زمینه را برای تحقق الگوی امامت در عصر غیبت یا همان ولایت فقیه، فراهم نمود. (همان، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

این ساختار مهم سیاسی دینی، برگرفته از قرآن و سنت و دین از نهضت تنباکو گرفته تا مشروطه مشروعه و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ق، نقش پیشتاز و قدرتمندی برای روحانیت ایجاد کرد. اما آنچه در دوره ناصرالدین شاه قاجار، نهاد دولت و عالم دینی برخاسته از میان مردم در قالب همکاری سیاسی در سایه دین و مذهب رخ نمایاند، تشیع بود. اما باید اذعان کرد پس از صفویه نیز سلسله های زندیه و قاجاریه در همین خط حرکت کردند؛ اما قاجاریه نه انسجام صفویه را داشت و نه اقتدار آن را. (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۴۱)

و اگر دولت ها با آرمان های مذهبی و دینی تطابق نداشته باشند و مشروعیت خود را از دست بدهند، با شورش و اعتراضات مردمی روبرو می شوند و چاره ای جز تکیه بر زور ندارند و تاریخ جوامع اسلامی مؤید همین امر است. (خالقی نژاد، ۱۳۹۰: ۸۸)

در ذکر شماری از عالمان شیعی این دوران که در صیانت از دین در جامعه نقش معتناهایی را ایفاء کردند، می توان به چند نفر اشاره کرد. یکی از این افراد که از او در سطور گذشته نام برده شد، ملا علی کنی، صاحب کتاب «المآثر والآثار» در وصف این عالم شیعه می نویسد: «به عزت نفس و مناعت جانب او ابنای جنس امتیاز داشت. اهل دیوان وی را «رئیس المجتهدین» می نشاندند و حق تعالی آن عالم عامل و فقیه کامل را به فرط ثروت و طول عمر و نقاذ امر اختصاص بخشیده بود». (حبیب آبادی، ۱۳۵۱: ۹۷/۳)

یکی از دغدغه های ملاعلی کنی در دوره ناصرالدین شاه حراست و صیانت از دین و شرعیات آحاد مردم بود. در این راه از امر به معروف و نهی از منکر دریغ نمی ورزید. وی

رساله ای مبسوط در اوامر و نواهی داشته است و ی دوره مُحَلاتِ فقه که همگی در کتاب «قضا» جمع آوری و اولین بار در سال ۱۳۰۴ قمری چاپ سنگی شده است. (خالقی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۴) آیت الله کنی در دفاع از دین نامه ای در مورد قرارداد «رویترا» به ناصرالدین شاه می نویسد. در این نامه ابتدا ضمن اشاره به حکومت دنیوی، دینی و معنوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، سلطنت دنیوی را حق نبی اکرم دانسته است و این هدف را در دوران زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام جاری و ساری می داند. او در این نامه تاکید می کند که در عصر غیبت پیامبر اکرم برای علما و سلاطین دو وظیفه جداگانه وجود دارد. (تیموری، ۱۳۶۳: ۱۲۴) سپس ملا علی کنی جهت حفظ دین و شریعت، وظیفه علمای شیعه را در مواجهه با حکومت متذکر شده و معتقد است که بر علما واجب است که نسبت به اصلاح امور، امر به معروف و نهی از منکر کنند و مفسد را گوشزد نمایند.... (همان، ۱۳۶۳: ۱۲۶)

آقا نجفی و حاج آقا نورالله نجفی نیز دو عالم شیعی دیگر دوره ناصرالدین شاه قاجار هستند که در صیانت و حراست از دین نقش به سزایی ایفا کرده اند. اقدامات آن ها را می توان نوعی مبارزه با تهاجم فرهنگی نام نهاد زیرا در عصر ناصری، تسامح و تساهل ناظر بر امورات دینی و معنوی در دربار به چشم می خورد. هر از چند گاهی گروه یا فرقه ای شروع به هجمه بر ضد اسلام و مذهب تشیع می کردند. به عنوان نمونه می توان به گروهی از مبلغین مسیحی اشاره کرد که از اروپا به هندوستان رفته و فارسی آموختند و کتاب های متعددی در ردّ اسلام در آن جا چاپ کرده و بعد از آن به اصفهان آمدند و کتاب های خود را در ردّ اسلام و مذهب تشیع به نام «ینابیع الاسلام» منتشر کردند. (هاشمی، بی تا: ۲۳۴-۲۳۷)

این حرکت مسیحیان، برای دو عالم بزرگوار اصفهان (آقا نجفی و حاج آقا نورالله نجفی)، سخت گران آمد و برای چاره جویی در صدد مبارزه و مباحثه با آنها برآمدند. از این رو زمان مباحثه با آنان تعیین گردید. (همان، بی تا: ۲۳۹/۱)

در این زمان علمای اصفهان به رهبری آقاجنقی به تشکیل انجمنی بنام «انجمن صفاخانه» در محله جلفا دست زدند و روزنامه «الاسلام» را راه اندازی کردند. انتشار و توسعه این روزنامه باعث شد در دیگر بلاد و حتی خارج از ایران، مناظرات انجمن انعکاس وسیع پیدا کند. (همو، بی تا: ۲۴۵/۱) آقا نجفی اصفهانی، نه تنها تبلیغات فرهنگی و مذهبی آنان را خنثی کرد، بلکه آنها را وادار ساخت تا ضوابط اسلامی را نقض نکنند، و از نظر آداب و رسوم ظاهری، برخلاف شرع مقدس اسلام نداشته باشند. (ذبیح زاده، ۱۳۸۲: ۱۸)

دیگر عالم دوره ناصرالدین شاه قاجار «سعیدالعلما بافروش» بود که در صیانت از دین و مبارزه با «بابیگری» نقش عمده ای را ایفاء کرد. وی در مبارزه با شورش هواداران فرقه ضاله بابیت در مازندران فعالیت داشت. یکی از مبلغین فرقه بابیت به نام «ملاحسین بشرویه ای» بود که جهت همکاری با ملامحمدعلی بافروش، که به این فرقه گرایش پیدا کرده بود از خراسان روانه مازندران شد. همین که سعیدالعلما به اندیشه و تفکر منحرف بابیت پی برد برای پیشگیری دست به کار شد و به دستور او علما و اصناف در مسجد گرد هم آمدند. او مبارزه با این فرقه را به عنوان تکلیف قلمداد کرد و توانست فتنه بابیه را در مازندران دفع نماید. تلاش و مبارزه این عالم بزرگوار شیعی در برابر فرقه منحرف بابیه به گونه ای بود که در منابع بابیه و بهائیه به شدت مورد لعن و نفرین قرار گرفته است. (نشریه درسهایی از مکتب الاسلام، ۶۴/۸-۵۸-۵۵) از جمله می توان به کتاب «ظهورالحق» اشاره کرد که نشان از کاری بودن ضربه «سعیدالعلما» به پیکره این فرقه دارد. (همان، ۵۵/۸) همچنین باید به نقش سید جمال الدین اسدآبادی اشاره کرد که در مبارزه اصلاحی

اش علیه سلطنت مطلقه ناصرالدین شاه قاجار، پس از اینکه از ترغیب حکام به اصلاح، نا امید شد. به راس هرم قدرت مذهبی روی آورد و جهت حفظ و صیانت از دین، طی نامه ای به میرزا محمد حسن شیرازی، او را برای مقابله با شاه قاجاری تشویق می کند. مظفری، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

و اما از دیگر عالمان شیعی که می توان به عنوان پیشقراولان دفاع و حراست از مذهب تشیع دوره ناصرالدین شاه نام برد، سید عبدالحسین لاری، میرزا محمد حسن آشتیانی، سید محمد طباطبایی فشارکی، ملاهادی سبزواری، آخوند خراسانی و سید علی اکبر فال اسیری، اشاره کرد. که این مقال اجازه توضیح و بسط بیشتر نمی دهد. که با پشتوانه همراهی مردم در دفاع و صیانت از دین از هیچ کوششی دریغ نکردند.

عملکرد عالمان شیعی، و صیانت از دین و سیاست در دوره ناصرالدین شاه قاجار

فرهنگ سیاسی جامعه ایران در دوره ناصری نشان می دهد که سرنوشت تجدّد در این عصر مواضع دوگانه ای ناصرالدین شاه، ناشی از تاثیرات این بعد است. گفتمان سیاسی هر جامعه ریشه در فرهنگ سیاسی آن دارد. از فرهنگ معمولاً برای اشاره به باورها، نگرشها، سنت ها و ارزش های، ویژه ای یک ملت، یا یک گروه اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، استفاده می کنند. (علیزاده، ۱۳۹۱: ۳۷۱) در فضای سیاسی عصر ناصری، شاه تمایل به آگاهی جامعه از نظر سیاسی و اعتقادی و اقتصادی نداشت. زیرا با روشن شدن اذهان عمومی اعتراضاتی را به دنبال داشت، مشاوران وی هم او را در وادی بی خبری رهنمون می کردند. اما علمای بیدار دل نظاره گر اوضاع سیاسی مملکت بودند. (همان، ۱۳۹۱: ۳۰۵) اما درباریان ناصرالدین شاه، چون میرزا حسن خان، به اصطلاح، مترقی برای بهسازی دولت در امر اصلاحات، شاه را در مسیر پرپیچ و خم اصلاحات قرار می داد و چشم اندازهای عبرت آموزی از ترقی غرب در برابر او مجسم می کرد و شاه را

وادار به سفرهای خارجی می کرد و معتقد بود، دیدن ترقی و پیشرفت غرب از فتوحات نادر در سفر هند هم عظیم تر وانمود می کرد. (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۶۰)

در این فضا بود که نقش علمای شیعی در صیانت از حیات سیاسی چشم گیر بود. به عنوان نمونه می توان به میرزا محمد حسن آشتیانی اشاره کرد. تلاش این مجتهد شیعه تحسین برانگیز است. ناصرالدین شاه درسفر سوم خود به اروپا در سال ۱۳۰۶ ه. ق، امتیاز انحصار دخانیات در داخل و خارج را به یک شرکت انگلیسی واگذار کرد. این حرکت استقلال سیاسی ایران را تهدید و راه را برای سلطه بیگانگان بر مسلمانان ایرانی می گشود. (نجفی، ۱۳۷۳: ۶۴-۱۵) مردم به علما متوسل شدند که در صدر آنها حاج میرزا محمد حسن آشتیانی قرار داشت.

آیت الله آشتیانی در مقام رهبری این مقاومت، کوشید. علاوه بر گوشزد نمودن زیان های اقتصادی و معیشتی برای مردم، آثار سوء فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این قرارداد را به دربار ناصری یادآور شود. مردم نیز به ندای علما پاسخ مثبت دادند و دست به قیام گسترده و عمومی زدند. (تیموری، ۱۳۵۸: ۸۶) ادوارد براون، این حرکت سیاسی میرزای آشتیانی را چنین گزارش نموده است: «هنگامی که ناصرالدین شاه دستور به خروج میرزا از تهران داد و خبر بیرون رفتن میرزای آشتیانی از تهران منتشر شد، تظاهرات بزرگی از مردم برخاست و به زودی گروهی انبوه به پیشوایی سیدی مصمم، قصر شاهی را دوره کردند. فریادهای خشمگین سردادند و سنگباران آغازیدند. سربازان بر آنها شلیک کردند. چند نفر از جمله سیدی از پای درآمد، هفت تن کشته و بیش از بیست نفر زخمی گریه کردند و جماعت پراکنده شدند. (بامداد، ۱۳۹۰: ۳۱۷/۱) میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی معروف به میرزای شیرازی را نیز باید یکی از چهره های شاخص و تاثیر گذار در حفظ ساحت سیاسی تشیع در دوره ناصرالدین شاه دانست. این عالم بزرگوار شیعه، با بسیج مردم و با امکانات اندک و وسایل ارتباطی ضعیف با ارسال مکتوبات آتشین به دربار

ناصری، ضربه ای محکم بر پیکر استعمار خارجی و استبداد داخلی وارد آورد. او در سامرا سکونت داشت و در همین شهر بود که نامه های هشدار و تذکر در دفاع از دین و مردم ایران به ناصرالدین شاه می فرستاد، و در آخر فتوای تاریخی تحریم استعمال تنباکو را صادر نمود. علمای وقت آن روزگار، وی را «میرزای مجدد» لقب دادند؛ بدین لحاظ که در راس رهبریت مذهب جعفری در قرن سیزدهم ه.ق قرار داشت. (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹:

۶/۶۷)

عملکرد عالمان شیعی و صیانت از دین، اقتصاد و معیشت مردم در دوره ناصرالدین شاه قاجار

اگر بخواهیم تحلیلی در روند اقتصاد ایران در سده نوزده میلادی داشته باشیم، باید اقتصاد را در تقسیم بندی سنتی و کلاسیک آن شامل سه بخش کشاورزی، صنعت و تجارت و یا خدمات بدانیم و اقتصاد و معیشت مردم ایران در دوره قاجار، عمدتاً مبنی بر بخش اول بود. گرچه ایران در برخی اعصار گذشته خود در مقیاس زمان از فناوری و صنایع پیشرفته ای برخوردار بود، اما پس رفت علمی و تمدنی جامعه ایران دوران قاجار را در موقعیتی قرار داده بود که تقریبات اواسط این دوران جز برخی صنایع کوچک و محدود یدی چندان اثری از آثار صنعت در ایران دیده نمی شد. (مدیر شانه چی، ۱۳۹۰: ۱۴)

جولیان باریر، معتقد است در قرن نوزدهم ایران را یک کشور بدوی و تقریباً منزوی و عقب مانده توصیف می کند. صاحب دیگر در آثار خود، بر سود کشاورزی تجاری شده، با افزایش درآمد سرانه و پیدایش نهادهای سیاسی نو به سبک غرب تاکید داشته اند. (عیزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۱) اما جان فوران بر خلاف این دیدگاه، تحولات ایران سده نوزدهم را تحولی وابسته می داند. فوران در تحلیل تحولات این دوره از مفهوم توسعه ی وابسته استفاده می کند. توسعه وابسته فرایندی است که بازیگران و علل داخلی و خارجی در آن دخالت دارند و با اثرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همراه است. (فوران، ۱۳۷۸: ۱۷۰) اما واقعیت آن

است که تجارت خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه و همه ادوار ربط مستقیمی با نظام سرمایه داری و بازار جهانی داشت و دارد. به گونه ای که از دست دادن بازار داخلی ایران، در واقع یک شکست سیاسی و اقتصادی محسوب می شود. ایران مرکز ثقل روابط اروپا، آسیا و آفریقا بود؛ تسلط بر بازار ایران، به منزله در دست داشتن شریان های اقتصادی منطقه به حساب می آمد. از آن مهمتر اینکه ایران، دروازه هندوستان به شمار می رفت. پس تسلط بر اوضاع اقتصادی، سیاسی ایران، ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. (کرزن، ۱۳۴۷: ۴۵/۱)

شاه به آنان گردید. دکتر فو وریه، پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه از اعطای امتیازات پی در پی، ابراز شگفتی می کرد و بر این باور بود که با آن اوضاع، طولی نخواهد کشید، که تمام خاک ایران به دست بیگانگان بیفتد. (فووریه، ۱۳۲۵: ۱۴۸) وقتی علما و مراجع شیعی حضور و ظهور روس و انگلیس در ایران را مشاهده نمودند و قضیه اقتصاد و معیشت مردم ایران را در دست آنان دیدند، با سخنرانی و نشر اعلامیه ها و نامه ها به میان مردم و دربار ناصری، سلطه بیگانگان را گوشزد می نمودند. می توان گفت محور حیات اقتصادی، مشارکت مستقیم عالمان شیعی در نجات مردم و ایران، مرجعی چون فتوای میرازی شیرازی دانست. قبل از قیام دخانیه در دوره ناصری به رهبری روحانیت، قباحت و زشتی معامله و سلطه اقتصادی اجانب در بازار مسلمین، بر عموم معلوم نبود، و چه بسا تجاری که برای منفعت بیشتر، شعب کمپانی خارجی را در شهرها گسترش داده و یا خود واسطه نفوذ اقتصادی بیگانگان می شدند. البته قبل از تجار، خود حکام و شخص شاه این قبح را ریخته و دست اتباع خارجی را در امور اقتصادی باز گذاشته بودند. (نجفی، ۱۳۷۱: ۲۹) اگر جلوی سلطه گری اجانب گرفته نمی شد و طلایه داری چون میرازی شیرازی پا به میدان نمی گذاشت، از هویت و اسلامیت و ایرانییت نشانی باقی نمی ماند. (همان، ۱۳۷۱: ۳۰-

شیخ حسن کربلایی، که خود از ناظران اوضاع اقتصاد و معیشت مردم، در دوره ناصرالدین شاه به ویژه امتیاز به شرکت انگلیسی بود و رساله منحصر به فرد خود را بر اساس مشاهدات شخص و اسناد میرزا محمدحسن آشتیانی مجتهد تهران نوشته است می گوید: «چندی است فرنگیان در ایران رفت و آمد زیادی می کنند، تجارت خانه های عمده، معاملات کلیه ممالک محروسه را ضبط و استیفاء داشته، سهل است که معاملات کلی را به دست گرفته اند». (کربلایی، ۱۳۶۱: ۸)

این پدیده زنگ خطر را برای روحانیان به صدا در می آورد. آنها نه تنها از موضع اقتصادی یا سیاسی محض بلکه از موضع دین، که مبتنی بر نفی سبیل بود، به اعتراض علیه امتیازات برخاستند. روحانیون پیش از این با سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگ مخالفت کرده بودند. (فرمانفرمایان، ۲۵۳۵: ۴۳) شیخ حسن کربلایی، هشدار می داد که مناسبات نابرابر اقتصادی، زمینه ساز تثبیت فرهنگی غرب در ایران خواهد بود و توضیح می داد وقتی ملتی از نظر اقتصاد و معیشت وابسته به بیگانه گردید و ممر معاش برای خود نیافت، لاجرم، دست به تکدی می دهد، بلکه «این مسلمان بیچاره که اسیر و محتاج ولابد و لاعلاج از مرافقه و معاشرت اند، بدیهی است البته یک چندی نگذشته که بسیاری از منکرات اسلام را که در انظار مسلمانان بر حسب فطرت اسلامیت عظیم». مرتکب خواهند گردید و «مراتب التزامی که به ملت شریعت دارند» هرچه بیشتر کاسته خواهد شد و همین امر خود، مقدمه تهدید شرع خواهد شد. و «شک نیست که پس از یک، چندی به سبب تراکم اطوار مکتسبه و آداب مختلسه اوضاع و رسوم اسلامی مردم ایران به کلی تغییر یافته و به اوضاع و رسوم مردم مسیحی خواهد مبدل گردید». و کار به جایی خواهد رسید که «صافا صاف از جمله مردم مسیحی محسوب باشند» و مردم از سنت سلف صالح رویگردان شده و «عالم همه فرنگی و فرنگستان خواهد شد». (کربلایی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۵)

علما مروج تفکر خودکفایی اقتصادی جهت صیانت از دین

یکی از اصلی ترین اقدامات علمای شیعی دوره ناصری، ترویج تفکر خودکفایی بود. البته فکر تحریم و استقلال اقتصاد و معیشت تفکری نبود که صرفا در چند اعلامیه و کاغذ مکتوم مانده و در راستای اندیشه ای بدون عمل باقی بماند، بلکه به خاطر حفظ هویت دین و گره خوردن با استقلال ملی کشور، از سوی اقشار مردم، مورد عنایت و استقبال قرار گرفته بود. در این مورد روزنامه ثریا، نشریه عصر قاجاری در ۱۳۱۶ ه. ق می نویسد: «... خبرنگار مخصوص ما (روزنامه ثریا)، جوشش در میان کلیه اهالی اصفهان برای حفظ وطن و رفع احتیاجات آن مشاهده می شود؛ و این جوشش نه تنها از یک طبقه است بلکه از تمامی صنفی، خاصه علمای اعلام «کثرالله امثالهم و ایدهم الله» به خدمت وطن هر روز به ظهور می رسد. و علانیه پر رئوس و مجالس عموم مردم را به انواع زبان های شیرین و نرم موافق نص کتاب کریم و حکم شرع قویم به آموختن علوم و صنایع تشویق و تحریص می فرمایند. در خصوص شرکت اسلامی اصفهان که سابقا در روزنامه ثریا درج گردید اینک چون گیاه بهاری روز به روز در نمو و ترقی است و مردم به خریدن سهام این شرکت میل مفرط دارند، که این شرکت اسلامی به تأیید و همت علمای اصفهان تأسیس گردیده است. (نجفی، ۱۳۷۱: ۱۰۷)

به ابتکار و پافشاری دو تن از مجتهدین اصفهانی، مرحوم آقا نجفی و مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی شرکتی اقتصادی تأسیس گردید و تقریباً تمام علما و تجار عمده شهر نیز در آن شرکت کرده و خیلی زود شعب و فعالیت های آن به سایر شهرهای ایران و حتی خارج از ایران نیز می رسد. در تأیید و تشویق این شرکت که در حقیقت تفکر خودکفایی در دل نهضت تحریم بود. تمام علما و مراجع عمده نجف اشرف و مشاهد مشرفه به صدور فتاوی و اعلامیه های ترویجی پرداختند. (همان، ۱۳۷۱: ۸۶)

نتیجه گیری

به حق می توان گفت؛ یکی از خصلت های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است، که در تمام تاریخ شیعه به چشم می خورد. در حدود بیش از یک قرن اخیر، حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش و انقلاب امروز ملت ایران تاثیر گذار بوده است. جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت و... دارای اهمیت فراوان است. نقش و عملکرد راهبردی علمای شیعه، نقش بی بدیل در امر صیانت و حفظ دین که ذیل آن سیاست و اقتصاد و معیشت بوده است. نهاد مرجعیت شیعی، در این دوره تاریخی، مسئولیت صیانت از تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور و حراست از شریعت را ایفاء می کرد. مردم، نهاد مرجعیت را که وامدار هیچ قدرت رسمی سیاسی نبود، ملجا و پناهگاه خویش به هنگام ظهور و بروز حوادث و بحران ها تلقی می کردند. مراجع شیعه هم به هنگام احساس تکلیف، بی توجه به رضایت یا عدم رضایت حکومت مرکزی و درباریان، نظرات خویش را صریحاً بیان می کردند. نامه های میرزای شیرازی و میرزا محمد حسن آشتیانی و سید جمال به دربار ناصری، نخستین حرکت دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این عصر به شمار می آمد. دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار مرجعیت شیعی مبارزه ای اساسی به ویژه در برچیدن بساط انحصاری پنجاه ساله انگلستان به منظور ممانعت از تسلط بیگانه بر حیات سیاسی، اقتصادی و دینی کشور بر عهده داشت. همانطور که اشاره شد، در دوره قاجاریه اولین بار بود که مردم ایران در عرصه سیاست و دفاع از حقوق و حیات اقتصاد و معیشت توأم با عرصه دین در مقابل سلطه گران ایستادند و آنان را مجبور به عقب نشینی کردند.

هرچند که پس از چندی متأسفانه بر اثر خیانت درباریان، مجدد پای آنان به عرصه های گوناگون کشور بازگردید.

هرچه بود اقدامات و عملکرد علمای شیعی موجب بیداری مردم شد و بعد ها زمینه ساز شکل گیری نهضتی بزرگ چون مشروطیت و در امتداد همین حضور علما بود که نهضت بزرگ ملت ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش به پیروزی رسید.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، بی تا، البدایه و النهایه، تحقیق: احمد ابوملهم و دیگران، بی جا، دارالکتب العلمیه.
۳. الگار، حامد، ۱۳۵۹، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم میری، تهران، چاپ توس.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ه.ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. ادوارد پولاک، یاکوب، ۱۳۶۸، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، چاپ خوارزمی.
۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن، ۱۳۵۷، صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران، چاپ روزبهان، چاپ دوم.
۷. امام خمینی ره، روح الله، ۱۳۹۴، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام مینی رحمت الله، دفتر قم، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ بیست و نهم.
۸. آژند، یعقوب، ۱۳۶۷، قیام تنباکو، تهران، چاپخانه سپهر.
۹. آدمیت، فریدون، ۱۳۵۸، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران، چاپ خوارزمی.
۱۰. آپتون، جوزف ام، ۱۳۵۹، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، تهران، چاپ نیلوفر.
۱۱. بامداد، مهدی، ۱۳۹۰، شرح حال رجال ایران، تهران، نشر فردوس، جلد یکم.

۱۲. بنجامین، ساموئل، بی تا، سفرنامه بنجامین، ترجمه محمد حسین کرد بچه، تهران، انتشارات علمی.
۱۳. تنکابنی، محمد بن سلمان، ۱۳۰۴، قصص العلماء تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۱۴. تهیه و تدوین جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم ع، ۱۳۸۲، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، جلد دوم.
۱۵. _____ جلد اول.
۱۶. _____ جلد چهارم.
۱۷. تیموری، ابراهیم، ۱۳۳۳، عصر بی خبری یا پنجاه سال استبداد در ایران، یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، ناشر اقبال.
۱۸. _____ ۱۳۵۸، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۱۹. _____ ۱۳۶۳، عصر بی خبری یا امتیازات ایران، تهران، انتشارات اقبال.
۲۰. حرعاملی، محمدبن حسن، بیتا، وسائل الشیعه، کتاب القضاء از ابواب صفات القاضی، بی جا، بی نا.
۲۱. حبیب آبادی، میرزا محمدعلی، ۱۳۵۱، مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری قمری، اصفهان، انتشارات انجمن کتابخانه های اصفهان.
۲۲. خالقی نژاد، امیرحسین، ۱۳۹۰، نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار، قم، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۳. خضری، سید احمد رضا، ۱۳۹۱، تشیع در تاریخ، قم، نشر معارف، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت پژوهش دانشگاه معارف اسلامی، چاپ اول.
۲۴. خوانساری، محمد باقر، ۱۳۰۴، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، تهران، انتشارات سپهر.

۲۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
۲۶. دیولافوا، ژ، ب، ه، ۱۳۶۹، ایران، کلده و شوش، ترجمه: علی محمد فره وش، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
۲۷. ذبیح زاده، علی نقی، ۱۳۸۲، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی ره.
۲۸. _____، رهبران دینی در نهضت مشروطه، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی ره، چاپ اول.
۲۹. ساموئلسون، پل آنتونی، ۱۳۳۴، اقتصاد، ترجمه حسین پیرنیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. شعبانی، رضا، ۱۳۸۰، مروری کوتاه بر تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوره قاجاریه، تهران، انتشارت سخن.
۳۱. شمیم، علی اصغر، ۱۳۷۵، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، چاپ مدبر، چاپ هفتم.
۳۲. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپ ویس، چاپ دوم، جلد یکم
۳۳. علیزاده بیرجندی، زهرا، ۱۳۹۱، حکومت ناصری، گفتمان های نو، تهران، انتشارات هیرمند.
۳۴. فرمانفرمایان، حافظ، ۲۵۳۵، خاطرات سیاسی امین الدوله، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۵. فوران، جان، ۱۳۷۸، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
۳۶. فوریه، ژ، پ، ۱۳۲۵، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران، انتشارات اقبال.
۳۷. فیروزآبادی، ۱۴۱۲ ه.ق، قاموس المحيط، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۳۸. کدی، نیکی، ۱۳۶۹، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم.
۳۹. کربلایی، شیخ حسن، ۱۳۶۱، قرارداد ۱۸۹۰م، تهران، انتشارات مبارزان.
۴۰. کرزن، جرج ناتانل، ۱۳۴۷، ایران و قضیه ایران، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات ابن سینا.
۴۱. لمتون، ان، کی، اس، ۱۳۷۹، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر گیو.
۴۲. مدرس تبریزی، محمدعلی، ۱۳۶۹، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین با لکنیه واللقب، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ سوم.
۴۳. مدنی، جلال الدین، ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۴۴. مدیر شانه چی، محسن، ۱۳۹۰، تاریخ پنجاه ساله ایران، تحولات سیاسی اجتماعی، تهران، ناشر نگاه معاصر.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۹، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، قم، انتشارات اسلامی.
۴۶. _____، ۱۳۷۷، مجموعه آثار (آزادی معنوی)، تهران، قم، صدرا، چاپ هشتم.
۴۷. مظفری، آیت، ۱۳۸۷، مناسبات روحانیت و دولت در ایران معاصر، قم، نشر معارف.
۴۸. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، تهران، چاپ امیر کبیر.
۴۹. مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۹، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، تهیه و تنظیم اداره ارتباطات دبیرخانه شورای عالی حوزه های علمیه قم، چاپخانه، نینوا.
۵۰. نائینی، محمدحسین، ۱۳۸۲، تنبیه الامه و تنزیه المله، تصحیح و تحقیق سید جواد ورعی، قم، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۱. نجفی، موسی، ۱۳۷۱، متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، مشهد، چاپ موسسه و انتشارات قدس رضوی.

۵۲. _____ ۱۳۷۳، سده تحریم تنباکو، به همت رسول جعفریان، تهران، نشر امیر کبیر.
۵۳. _____ ۱۳۷۸، تعامل دیانت و سیاست در ایران، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
۵۴. نشریه، درس هایی از مکتب اسلام، سال ۴۷، شماره ۸، بی جا.
۵۵. نقیب زاده، احمد و امانی زوارم، وحید، ۱۳۸۰، نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۵۶. نویختی، حسن بن موسی، ۱۳۸۱، فرق الشیعه، ترجمه و تحقیق محمد جواد شکور، تهران، چاپ علمی فرهنگی.
۵۷. ولهاوزن، یولیوس، ۱۳۷۵، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه محمود رضا افتخار زاده، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۸. هاردینگ، سرآرتور، ۱۳۶۳، خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ. تهران، نشر دانشگاهی.
۵۹. هاشمی، محمدصدر، بی تا، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، انتشارات کمال.